

ORIGINAL ARTICLE

Analytical analysis of the application of the differences in the mentioned readings in the traditions of Ahl al-Bayt (AS) (Case study: Tafsir Noor al-Saqlain)

Elham Zarinkolah¹, Ameneh Omid^{2*}

1. Assistant Professor of Quran and
Hadith Studies eghlid Higher
Education Center, Iran.

2. Assistant Professor of Quran and
Hadith Studies eghlid Higher
Education Center, Iran.

Correspondence:
Ameneh Omid
Email: omid7092@yahoo.com

Received: 15 Oct 2022
Accepted: 08 Jan 2024

How to cite

Zarinkolah, Z. & Omid, A. (2023).
Analytical analysis of the application of
the differences in the mentioned readings
in the traditions of Ahl al-Bayt (AS)
(Case study: Tafsir Noor al-Saqlain).
Journal of Qur'anic Interpretation and
Language, 12(1), 21-34.
(DOI: [10.30473/quran.2024.67083.3236](https://doi.org/10.30473/quran.2024.67083.3236))

ABSTRACT

One of the notable cases in the commentary traditions of Ahl al-Bayt (a.s.) is that in connection with some verses, readings are mentioned that are sometimes different from the famous readings. This research, by using the library method and data analysis, while extracting such narrations in the researched source i.e. Tafsir Noor al-Saghalin, explained the place of recitations and then its function, and reached the conclusion that recitation narrations are important from the perspective of Hawizi. and he has narrated a total of 45 Qara'i narrations from various sources, most of which are related to Majmaal Bayan, which is a significant number compared to many narrative interpretations. It should be noted that the function of the readings of the Ahl al-Bayt (AS) in this commentary can be seen in the four axes of conceptualization and interpretation of the verse, expansion and development in the meaning of the verse, disambiguation and expression of synonyms. Among these, the most important function of reading narrations is related to conceptualization and interpretation of the verse.

KEYWORDS

Ahl al-Bayt, function of recitations, interpretive narrations, Noor al-Saghalin., place of recitations.



«مقاله پژوهشی»

واکاوی تحلیلی کاربست اختلاف قراءات در روایات اهل بیت (ع) (مطالعه موردی: تفسیر نورالثقلین)

الهام زرینکلاه^۱، آمنه امیدی^{۲*}

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مرکز آموزش عالی اقلید،

ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مرکز آموزش عالی اقلید،

ایران.

نویسنده مسئول:

آمنه امیدی

رایانامه: omidi7092@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

استناد به این مقاله:

زرینکلاه، الهام و امیدی، آمنه (۱۴۰۲). واکاوی تحلیلی کاربست اختلاف قراءات در روایات اهل بیت (ع) (مطالعه موردی: تفسیر نورالثقلین). پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۲۱-۳۴، (۱)۱۲.

(DOI:10.30473/quran.2024.67083.3236)

چکیده

یکی از موارد قابل توجه در روایات تفسیری اهل بیت (ع)، این است که در ارتباط با برخی آیات قرآنی، قراءاتی ذکر شده که گاهی با قراءات مشهور متفاوت است. این پژوهش با به کارگیری روش کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها ضمن استخراج این گونه روایات در منبع مورد تحقیق یعنی تفسیر نورالثقلین، به تبیین جایگاه قراءات و سپس کارکرد آن پرداخته و به این نتیجه دست یافته که روایات قرائی از منظر حویزی حائز اهمیت بوده و وی در مجموع ۴۵ روایت قرائی از منابع گوناگون که بیش‌ترین آن مربوط به تفسیر مجمع‌البیان است، نقل کرده که این تعداد به نسبت بسیاری از تفاسیر روایی، عدد قابل توجهی است. گفتنی است کارکرد قراءات اهل بیت (ع) در این تفسیر در چهار محور مفهوم‌سازی و تفسیر آیه، گسترش و توسعه در معنای آیه، ابهام‌زدایی و بیان مترادفات قابل مشاهده است. که در این میان بیشترین کارکرد روایات قرائی مربوط به مفهوم‌سازی و تفسیر آیه است.

واژه‌های کلیدی

اهل بیت (ع)، جایگاه قراءات، روایات تفسیری، کارکرد قراءات، نورالثقلین.

۱- مقدمه

از جمله علوم مورد نیاز مفسر در فهم مراد الهی و تبیین آیات قرآن، دانش قراءات است. این بحث به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد تفسیری، همواره مورد توجه مفسران و محققان علوم دینی می‌باشد. زیرا دستیابی به تفسیر صحیح در گرو پایبندی به رعایت این دسته از قواعد می‌باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۳: ۴). این مهم از همان ابتدا مورد توجه پیامبر(ص) و پس از ایشان ائمه(ع) بوده است. نکته‌ی قابل توجه این است که اگرچه اهل بیت(ع)، پیروانشان را به خواندن «قرائت مردم» و یا «قرائت الناس» دعوت می‌کردند (نک. کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۶۲۷)، اما دسته‌ای از روایات تفسیری منقول از ایشان، بیانگر قرائتی غیر از قرائت مشهور است. از این رو، بررسی این دسته روایات به جهت اثبات دلالت یا عدم دلالت آن بر اختلاف قراءات از سمت اهل بیت(ع) از یک طرف و تحلیل هریک از قراءات و دستیابی به کارکرد و جایگاه آن‌ها از طرف دیگر، مورد توجه و ارزیابی می‌باشد.

در این میان، تفاسیر روایی مهم‌ترین منبع جهت شناسایی این گونه روایات هستند. از جمله جوامع تفسیر روایی مهم در این باره، تفسیر *نورالثقلین* است. علت انتخاب این تفسیر و اهمیت آن در این زمینه، این است که اولاً از جامع‌ترین تفاسیر روایی می‌باشد و از منابع گسترده‌ای در نقل روایات بهره برده است، ثانیاً وجود روایات متعدد ناظر به قراءات در این تفسیر ... که در این جا از آن غفلت شده است.

براساس کاوش‌های انجام گرفته در این تفسیر مشخص شد که مجموع روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه‌ی اختلاف قرائت، در نهایت ۴۵ مورد است. پس از استخراج آماری روایات، به سراغ تحلیل و بررسی محتوایی و متنی این تعداد روایت براساس حالات مختلف اختلاف قرائت - یعنی اختلاف در لفظ بدون اختلاف در معنا، اختلاف در لفظ و معنا به گونه‌ای که قابل جمع باشند، اختلاف در لفظ و معنا به گونه‌ای که قابل جمع نباشند، اما منجر به تعارض نگردند (نک. ابن‌الجزری، ۲۹/۱). رفته و به این نتیجه دست یافتیم که نه تنها هیچ‌یک از این قراءات غیرمشهور، منجر به ایجاد تعارض و فهم معنای تقابلی با قرائت مشهور نمی‌گردد، بلکه همه‌ی این موارد با داشتن نقش تفسیری، هم‌راستا با این قرائت بوده و با کارکردهای گوناگونی، مؤید آن است و در مواردی هم باعث ابهام‌زدایی از قرائت مشهور می‌گردند.

لذا، در پژوهش حاضر ضمن بیان جایگاه روایات قرائی در تفسیر مورد تحقیق و سپس تحلیل و بررسی آن روایات، به بیان کارکرد آن‌ها پرداخته‌ایم. اما پیش از آن بیان پیشینه‌ی این امر ضرورت است.

۲- پیشینه

بررسی روایات بیانگر قراءات اهل بیت(ع) گاه در لابلای پژوهش‌های دینی و گاه به صورت مستقل انجام گرفته است. کتاب‌هایی همچون «السرائط الوضیء علی قراءة اهل بیت النبی» نوشته‌ی حسینی جلالی، «قراءة اهل البیت (ع) القرآنیة مصادر و ترجیحاتها» اثر ظالمی، «قراءات اهل البیت (ع) القرآنیة» نوشته‌ی رفیعی و مقالاتی همچون «نگرش تاریخی به روایات قراءات اهل بیت(ع)» اثر حسینی، «گونه‌شناسی روایات اختلاف قرائت اهل بیت با قرائت مشهور» جعفری‌پور و رحمان ستایش، «قراءت معتبر در روایات تفسیری اهل بیت(ع) و ارتباط آن با روایت حفص از عاصم» نوشته‌ی حسینی و همکاران نمونه‌هایی از آثار و تألیفات نگاشته شده در خصوص قراءات اهل بیت(ع) است، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود در هیچ‌یک از این آثار به صورت ویژه به بررسی روایات قرائی ایشان در یک تفسیر روایی آن هم در *نورالثقلین* انجام نگرفته و موضوع کارکرد و جایگاه این دسته روایات در این تفسیر مورد توجه پژوهشگران نبوده و پیرامون آن کاوشی صورت نگرفته است.

۳- تفسیر نورالثقلین

نورالثقلین فی تفسیر القرآن، اثر عبد علی بن جمعة العروسی حویزی، از تفاسیر جامع روایی اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم است که به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی تصحیح و با مقدمه‌ای کوتاه از علامه طباطبایی (ره) به چاپ رسیده است. مؤلف در مقدمه، انگیزه‌ی خود از نگارش این تفسیر را جمع‌آوری بخشی از سخنان اهل بیت(ع) که کاشف معانی قرآن و دربردارنده‌ی اسرار تأویل است، ذکر می‌کند. لذا، به تناسب این هدف، آن را «*نورالثقلین*» می‌نامد (همان، ۳/۱). این تفسیر مشتمل بر ۵ جلد و دربرگیرنده‌ی روایات تفسیری بخشی از آیات قرآن می‌باشد که شامل تمام سوره است. در این مجموعه حدود ۱۳۴۵۱ حدیث که از حدود ۴۳ منبع همچون تفسیر قمی، کافی، عیون/خبر الرضا، علل الشرایع، اکمال الدین و غیره جمع‌آوری شده، آمده که در اغلب موارد سند روایات حذف و تنها به ذکر منبع أخذ روایت همراه با راوی آخر از معصوم(ع) اکتفا شده است. احتمالاً حذف اسانید یا اختصار آن‌ها یا با هدف جلوگیری از حجیم شدن کتاب صورت گرفته یا با توجه به اینکه مؤلف منبع أخذ روایت را ذکر کرده، دیگر لزومی بر ذکر تمام سند ندیده است.

گفتنی است روش حویزی در این تفسیر به این صورت است که پس از ذکر نام سوره، ابتدا روایات فضائل، آثار و ثواب قرائت سوره را ذکر کرده، سپس به نقل روایات شأن نزول پرداخته است. در

ادامه روایاتی متناسب با مضمون هر آیه و نیز احادیثی که متضمن تفسیر و توضیحی درباره‌ی آن آیه است، اعم از اینکه این تناسب از باب تفسیر، استشهاد و یا تأویل آیه باشد، نقل و از هرگونه شرح، تفسیر و توضیح، همچنین بیان معنای واژگان، اعراب و قرائت آیات اجتناب می‌کند.

برخی از علما و مفسران به تأیید این تفسیر پرداخته و گفته‌اند: «نورالثقلین کتابی ارزشمند است که مؤلف آن تمام اخبار وارده در تفسیر قرآن (جز موارد اندکی از روایات) را جمع‌آوری نموده و در ضبط، ترتیب و تهذیب و تنقیح روایات، ضمن اشاره به منبع واقعی آن، تلاشی وافر نموده است» (بابای، ۱۳۸۹: ۳۷۶/۱). در عین حال برخی دیگر امثال آیت‌الله معرفت این تفسیر را نقد می‌کند. ایشان در مورد این سخن حویزی که کشف حقیقت درمورد روایات متعارض را برعهده‌ی خواننده گذاشته، می‌گوید: «اینکه او با این سخنان خود را از پیامدهای مترتب بر روایاتی که نقل کرده و تعارض احتمالی آن‌ها با اصول مذهب رهانیده و آن‌را بر عهده‌ی خواننده قرار داده، کافی نیست و به اعتقاد ما در این زمینه کوتاهی کرده است. زیرا کمترین وظیفه‌ی مفسر این است که مواضع ابهام را برای خواننده روشن کند. زیرا نقل روایت و عدم اظهارنظر در مورد صحت و سقم آن، موجب پاره‌ای مشکلات در عقاید مسلمانان می‌شود» (معرفت، ۱۳۷۷: ۲/۳۳۸).

شایان ذکر است از نظر ساختار، بخشی از این تفسیر، شامل روایات قرائی اهل بیت (ع) است که بیانگر اهمیت بحث قراءات در نزد مفسر می‌باشد.

۴- بررسی جایگاه قراءات اهل بیت (ع) در

تفسیر نورالثقلین

از آنجایی که موضوع علم قراءات، چگونگی کیفیت ادای کلمات و الفاظ قرآن می‌باشد؛ از این‌رو نزد عالمان علوم قرآنی، مفسران، صاحبان دانش لغت و ... از موقعیت خاصی برخوردار است (حاجی اسماعیلی، ۱۳۶۵: ۶۵-۶۲). بررسی فراوانی و تعداد قراءات نقل شده، همچنین خاستگاه، مصادر و معیارهایی که حویزی در انتخاب روایات قرائی در نورالثقلین مدنظر قرار داده، همه و همه نشان‌دهنده‌ی ارزشمندی مسأله‌ی قرائت نزد وی است.

۴-۱- فراوانی قراءات

یکی از مواردی که نتایج حاصل از آن نشان از جایگاه ارزشمند روایات قرائی نزد حویزی است، تعداد روایات یا به عبارت دیگر

فراوانی این دسته روایات در نورالثقلین است. بررسی‌ها نشان داد که وی در مجموع ۴۵ روایت قرائی در تفسیرش ذکر کرده است. که از یک‌سو این تعداد به نسبت دیگر تفاسیر روایی عدد قابل توجهی است، از سوی دیگر در مقایسه با روایات دربرگیرنده‌ی موضوعات دیگر، تعداد محدودی است. در این خصوص اگر گفته شود، منابع محدودی در خصوص روایات تفسیری متضمن قراءات در اختیار وی بوده، مطلب صحیحی نیست، زیرا وی بیشترین روایت قرائی را از مجمع‌البیان نقل کرده، و اگر در مجمع‌البیان بررسی شود، تعداد روایت قرائی بیشتری به نسبت آنچه حویزی از وی نقل کرده، در آن آمده است. مگر اینکه بگوییم تعداد روایات بسیار بوده، اما حویزی براساس معیارهای خاصی که داشته، دست به گزینش زده است. با این همه نقل روایات قرائی در تفسیر وی، نشان از اهمیت و توجه وی به این‌گونه روایات است.

۴-۲- خاستگاه قراءات

خاستگاه قراءات که به‌معنای فرآیند تأثیرگذاری دیدگاه فکری حاکم بر مفسر، در ترجیح یا عدم ترجیح قراءات می‌باشد (مرتضوی، ۱۳۹۸: ۲۱)، یکی دیگر از موارد است که در تعیین جایگاه روایات قرائی نورالثقلین نقش‌آفرین است. توجه به قراءات اهل بیت (ع) در این تفسیر، بیانگر این است که حویزی با ذکر روایات اهل بیت (ع)، تنها به گزارش قراءات پرداخته و در ارتباط با ترجیح یا عدم ترجیح یک روایت بر روایت دیگر، دیدگاهی را ذکر نکرده است. چنین خاستگاهی را خاستگاه روشی می‌نامند که در آن مفسر در بیان مسأله‌ی قراءات، بدون جهت‌دهی به قراءات به ارائه، تحلیل و گزارش اختلاف قراءات موجود در آیه می‌پردازد (السعدی، ۱۳۹۲: ۲/۲۶۴).

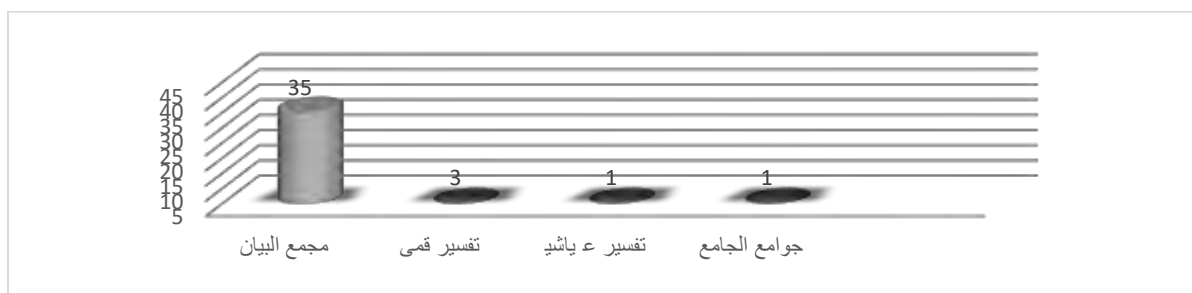
۴-۳- مصادر قرائی

از دیگر مواردی که بیانگر جایگاه و اهمیت قراءات نزد حویزی است، مصادر و منابعی است که وی روایات قرائی را از آن‌ها نقل کرده است. این مطلب می‌تواند نشان از گرایش فکری وی به صاحبان این منابع یا حداقل ترجیح این روایات بر دیگر روایات قرائی در تفسیر آیات است. بررسی انجام شده در این تفسیر نشان داد که حویزی روایات قرائی را به‌ترتیب فراوانی از مجمع‌البیان، تفسیر قمی، تفسیر عیاشی و جوامع‌الجامع برگرفته است (نگاه کنید به جدول ذیل). با توجه به اینکه بیشترین روایت را از دو کتاب طبرسی یعنی مجمع‌البیان و جوامع‌الجامع گرفته، می‌توان گفت از نظر وی روایات قرائی این تفاسیر از نظر وی قابل قبول‌تر بوده است.

ذکر کرده است: «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ» و قَرَأَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «صَوَافِنَ» بِالنُّونِ (۴۹۷/۳).

نمودار آماری زیر بیان کننده‌ی مصادر قرائی حویزی در ذکر اختلاف قراءات است.

البته در مواردی نیز به ذکر منبع و مصدر روایت اشاره نکرده، بلکه تنها به گزارش قرائت پرداخته است. به عنوان مثال: در ارتباط با اختلاف قرائت در (مریم/۵) اینگونه ذکر کرده است: «وَقَرَأَ عَلٰی بَنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ بِنِ عَلِیِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: «وَاِنِّیْ خِفْتُ الْمَوَالِیَ» بِفَتْحِ الْخَاءِ وَ تَشْدِیدِ الْفَاءِ وَ كَسْرِ التَّاءِ» (۳/۳۲۳)؛ و در ارتباط با (حج/۳۶) این چنین



شایان ذکر است مقایسه‌ی تطبیقی روایات قرائی *نورالثقلین* و مصادر قرائی در نزد وی بیانگر این است که مفسر در بیان قراءات دقیقاً همان تعابیر و روایات قرائی را بدون دخل و تصرف و یا تصحیف و تحریف ذکر کرده است. جدول ذیل این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد.

در بخش مصادر قرآنی این مهم نیز مورد توجه است که مفسر در بیان مصادر، به منابع اصلی و یا منابع دست اول قرآنی توجهی نداشته و از آن‌ها سخنی به میان نیاورده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه حویزی در صدد بیان روایات تفسیری بوده، لذا، هدف اصلی از ذکر قراءات، تنها ارائه‌ی روایات تفسیری بر مبنای اساسی تفاسیر و به فراخور مطلب بوده است.

جدول ۱

مصادر قرائی	اصل روایات ذکر شده در مصادر قرائی	روایات قرائی ذکر شده در تفسیر نورالثقلین
تفسیر قمی	«حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَرَأَ: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ فَقَوْلُهُ: «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» قَالَ: إِقْبَالُ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مُحَافَظَتِهِ حَتَّى لَا يُلْهِيه وَ لَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا شَيْءٌ (قمي)، ۱۳۶۳: ۱/۷۹».	فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَرَأَ: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ فَقَوْلُهُ: «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» قَالَ: إِقْبَالُ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مُحَافَظَتِهِ حَتَّى لَا يُلْهِيه وَ لَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا شَيْءٌ (حویزی، بی تا: ۱/۲۳۶).
تفسیر عیاشی	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ الْوُسْطَى فَقَالَ: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ وَ الْوُسْطَى هِيَ الظُّهْرُ وَ كَذَلِكَ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (عیاشی، بی تا: ۱/۱۲۷).	فِي تَفْسِيرِ الْعِيَاشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ الْوُسْطَى فَقَالَ: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ وَ الْوُسْطَى هِيَ الظُّهْرُ وَ كَذَلِكَ كَانَ يَقْرَأُهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (حویزی، بی تا: ۱/۲۳۶).
جوامع الجامع	وَ فِي مُصْحَفِ أَبِي «أَكَاذُ أَخْفِيهَا مِنْ نَفْسِي» وَ رَوَى ذَلِكَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (طبرسی، بی تا: ۴۱۷/۲).	فِي جَوَامِعِ الْجَامِعِ وَ فِي مُصْحَفِ أَبِي «أَكَاذُ أَخْفِيهَا مِنْ نَفْسِي» وَ رَوَى ذَلِكَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی تا: ۳/۳۷۵).

«و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». فِي حَوَامِعِ الْجَامِعِ وَ قَرَأَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ (حویزی، بی تا: ۷۲/۴).	«و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». وَ قَرَأَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ (طبرسی، بی تا: ۱۷۵/۳).	
«فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ قُرْآنًا فَرَّقْنَاهُ لِنَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ آيَةً وَ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَرَّقْنَاهُ» بِالتَّشْدِيدِ» (حویزی، بی تا: ۲۳۱/۳).	«روي عن علي (ع) و ابن مسعود و ابن عباس و أبي بن كعب و الشعبي و الحسن بخلاف و قتادة و عمرو بن فائد فرقناه بالتشديد» (طبرسی، بی تا: ۶۸۷/۶).	مجمع البيان
«فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ- فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً وَ قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مُبْصِرَةً يَفْتَحُ الْمِيمَ وَ الصَّادَ» (حویزی، بی تا: ۷۵/۴).		
	فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً وَ قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مُبْصِرَةً يَفْتَحُ الْمِيمَ وَ الصَّادَ (طبرسی، بی تا: ۳۳۱/۷).	

۴- معیارهای قرائی

و ترجیح قرائت، تواتر و بهره‌گیری از قواعد فقهی در اثبات، تحلیل و ترجیح یک قرائت، تأیید قرائت مشهور، تأیید قرائت غیرمشهور، گزارش قرائت بدون ترجیح هریک از وجوه قرائی و ترجیح قرائت با تکیه بر روایات، قابل تقسیم است.

بررسی‌های انجام شده بیانگر این است که بهره‌گیری از نظرات سایر مفسران در معرفی اختلاف قراءات و ترجیح قرائت اهل بیت (ع) در ارتباط با وجوه مختلف قرائی یک واژه، مهم‌ترین معیار قرائی در نزد حویزی بوده است. جدول زیر بیان‌کننده‌ی این موضوع در نزد مفسر می‌باشد.

از دیگر شاخصه‌ها و مواردی که نشان از جایگاه قراءات نزد حویزی است، معیارهایی قرائی است. بررسی‌های انجام شده بیانگر این است که، معیارهای قرائی را می‌توان همان شاخصه‌ها، احتیاج قرائی، دلایل ترجیح یک قرائت بر سایر قراءات دانست که به دسته‌های مختلفی مانند تأکید بر اصالت قرائت قرآن با اشاره به نقش تحلیلی- تفسیری قراءات، بهره‌گیری از سیاق در ترجیح قرائت، ترجیح قرائت مشهور و نقد دیگر قراءات با تکیه بر آیات قرآن، بهره‌گیری از نظرات سایر مفسران در معرفی اختلاف قراءات

جدول ۲

روایت	آیه
«فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَغْنَابٍ قَرَأَ أَبُو بَكْرٍ عَنْ عَاصِمٍ بِرَوَايَةِ أَبِي يُوسُفَ الْأَعَشِيِّ وَ الْبُرْجَمِيِّ «و جنات» بِالرَّفْعِ وَ هُوَ قِرَاءَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی تا: ۷۵۱/۱).	انعام/۹۹
«و رَوَى فِي قِرَاءَةِ أَهْلِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ» بِأَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (حویزی، بی تا: ۲۴۲/۲).	توبه/۷۳
«و اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ فِي مُصْحَفِ عَبْدِ اللَّهِ وَ قِرَاءَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ «مَنْ الصَّادِقِينَ» وَ رَوَى ذَلِكَ أَيْضاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی تا: ۲۸۰/۲).	توبه/۱۱۹
«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» وَ قَرَأَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ ابْنُ عَلِيٍّ وَ ابْنُ مُحِصَنٍ وَ الزَّهْرِيُّ «أَنْفُسَكُمْ» بِفَتْحِ الْفَاءِ وَ قِيلَ: أَمَّا قِرَاءَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (حویزی، بی تا: ۲۸۷/۲).	توبه/۱۲۸

ابراهیم/۳۷	«وَفَاجِعِلْ أَفْعِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» - فِي تَجْمَعِ النَّبِيَّانِ وَ قَرَأَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «تَهْوِي إِلَيْهِمْ» بِفَتْحِ الْوَاوِ (حویزی، بی تا: ۲/ ۵۵۱).
اسراء/۵	«بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» فِي تَجْمَعِ النَّبِيَّانِ وَ قِرَاءَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَبِيدًا لَنَا». (حویزی، بی تا: ۳/ ۱۳۸).
اسراء/۱۰۶	«فِي تَجْمَعِ النَّبِيَّانِ وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ آيَةً وَ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَرَقْنَاهُ» بِالشَّدِيدِ» (حویزی، بی تا: ۳/ ۲۳۱).
نحل/۱۳	«فِي تَجْمَعِ النَّبِيَّانِ - فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً وَ قَرَأَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَبْصَرَةً يَفْتَحُ الْمِيمَ وَ الصَّادَ» (حویزی، بی تا: ۴/ ۷۵).
عنکبوت/۳	«وَفِيهِ قَرَأَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» بِضَمِّ الْيَاءِ وَ كَسْرِ اللَّامِ فِيهِمَا، وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ» (حویزی، بی تا: ۴/ ۱۴۹).
محمد/۱۵	«فِي تَجْمَعِ النَّبِيَّانِ: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ وَ قَرَأَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَثَالَ الْجَنَّةِ عَلَى الْجَمْعِ. بَعْضُ» (حویزی، بی تا: ۵/ ۳۲).
اعلیٰ/۳	«وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» فِي تَجْمَعِ النَّبِيَّانِ قَرَأَ الْكَسَائِيُّ «قَدَّرَ» بِالتَّخْفِيفِ وَ هُوَ قِرَاءَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْبَاقُونَ «قَدَّرَ» بِالتَّشْدِيدِ» (حویزی، بی تا: ۵/ ۵۵).

۵- کارکرد قراءات

۱- عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ:

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا» (انعام/۱۵۹) قَالَ: «فَارَقَ الْقَوْمُ وَ اللَّهُ دِينَهُمْ». - فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ قَرَأَ حَمْزَةً وَ الْكَسَائِيُّ «فَارَقُوا» بِالْأَلِفِ وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی تا: ۱/ ۷۸۳).

در این روایت حویزی ابتدا سخن امام صادق(ع) در پاسخ به معنی بن‌خنس که واژه‌ی «فرقوا» را به صورت «فارق» تلفظ می‌نماید که با قرائت مشهور - «فَرَّقُوا» از باب تفعیل (نک. ابن مجاهد، ۱۹۸۸: ۲۷۴) - متفاوت می‌باشد، را نقل می‌کند. سپس در تأیید قرائت امام(ع)، با استناد به مجمع‌البیان قرائت حمزه، کسائی و امام علی(ع) را متذکر می‌شود که ایشان نیز چنین قرائت کرده‌اند.

در بررسی معنای واژه‌ی «فَرَّقُوا» باید گفت این واژه از مصدر «تفریق» بوده و به این معناست که این افراد به برخی از آیات آن ایمان آورده و برخی را رها کرده و به آن کفر ورزیدند. این معنا مشابه آیه‌ی «أَفْتَوْمُنُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَعْضُ» (بقره/۸۵) (نک. مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۵۸) است. واژه‌ی «فَارَقُوا» از مصدر «مُفَارَقَةٌ»، نیز به نوعی همان معنای فراق و ترک کردن را در خود داشته و به این معناست که آن‌ها دین قیّم را رها کرده و به آن کفر ورزیده و از آن روی برگرداندند (ابن خالویه، ۱۴۲۱: ۸۲).

پس از تبیین جایگاه قراءات در نورالثقلین، نوبت به بررسی و ارزیابی کارکرد قراءات منقول از وی در تفسیر است. اهمیت کارکرد قراءات از آن جهت است که منجر به تبیین تأثیر و نقش اختلاف قراءات در تفسیر و نحوه‌ی بهره‌گیری مفسر از این امر، علت و چرایی ترجیح یک قرائت بر سایر قراءات می‌شود.

نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که این روایات قرائی منقول از اهل بیت (ع)، نه تنها با قرائت مشهور تقابل و تعارض ندارند، بلکه با کارکردهایی که دارند به تفسیر و تبیین هرچه بیشتر آیه کمک می‌کنند. این کاربست قراءات تفسیری منقول از ائمه(ع) در چهار حوزه‌ی مفهوم‌سازی و تفسیر معنای آیه، گسترش و توسعه در معنای آیه، ابهام زدایی و بیان مترادفات مشاهده می‌شود.

۵-۱- کارکرد اول: مفهوم سازی و تفسیر آیه

یکی از کارکردهای روایات قرائی متفاوت با قرائت مشهور در نورالثقلین، مفهوم‌سازی و تفسیر آیه است. به این معنا که قرائت غیرمشهور گونه‌ای است که، موجب روشنگری و تحلیل در معنای آیه می‌شود و به عبارتی آیه را از حالت اغماض خارج می‌کند. موارد ذیل نمونه‌ای از این دسته روایات است:

إلتقاء ساکنین حرف یاء حذف شده است. به عبارتی اصل واژه، «يَنْتَجُونَ» و مشتق از نجوی به معنای سری و یا پنهانی بودن است (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴ق: ۳۱۴/۲).

با توجه به آنچه ذکر شد، طبق قرائت مشهور اگرچه در نجوی، مشارکت کردن موردنظر است، اما آنچه مورد توجه می‌باشد، مشارکت پنهانی است یعنی همان چیزی که در قرائت غیرمشهور دیده می‌شود. معنا و سیاق آیه نیز مؤید این مطلب است. لذا، در این جا هم مشاهده می‌شود قرائت غیر مشهور در تبیین و فهم بهتر آیه مؤثر بوده است.

۴- «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ، كَانَ يَقْرَأُ «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرْضَيْنَهُنَّ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا إِلَى أَجَلٍ ثُمَّ يُحْدِثُ شَيْئًا بَعْدَ الْأَجَلِ» (حویزی، بی‌تا: ۴۶۸).

براساس آنچه در روایت فوق آمده، امام صادق(ع) آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی نساء را با افزودن عبارت «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى» قرائت نموده است. این قرائت همچنین از برخی از صحابه همچون ابن مسعود، ابن عباس و ابی بن کعب هم ذکر شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۵/۱؛ طبری: ۱۴۱۲، ۹/۵؛ عیاشی، بی‌تا: ۲۳۴/۱). درحالی که طبق قرائت مشهور، آیه بدون عبارت «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى» می‌باشد. در ارتباط با این نحوه‌ی قرائت اهل بیت(ع) از آیه باید گفت، در واقع قرائت آن‌ها قرائت تفسیری بوده و منجر به فهم بهتر و دقیق‌تر آیه خواهد شد. مفسران نیز به این مهم اشاره کرده و در این باره گفته‌اند: عبارت «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى» بیانگر عقد منقطع می‌باشد و عقد متعه دال بر واجب بودن ادای مهر می‌باشد و به عبارت دیگر به استمتاع تعلق دارد نه آمیزش و به دست آوردن لذت جنسی (طبرسی، بی‌تا: ۵۲/۳؛ ابوالفتوح رازی، بی‌تا: ۳۱۷/۵؛ ابن عطیه، بی‌تا: ۳۶/۲).

۵- «قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْزِرْهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (حویزی، بی‌تا: ۵۷۶/۱).

در این روایت نیز امام صادق(ع) آیه‌ی ۱۶۸ سوره‌ی نساء را با عبارت «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» قرائت کرده، درحالی که در قرائت مشهور چنین عبارتی وجود ندارد. طبق آنچه در قرائت امام(ع) آمده، آیه بیان می‌کند کسانی که رسالت محمد(ص) و آل ایشان را انکار کردند و با دروغگو دانستن ایشان، به آن‌ها ظلم کردند، برای آنان آمرزشی نخواهد بود و تا ابد در جهنم خواهند ماند. با این

همان‌طور که مشاهده می‌شود واژه‌ی منقول از امام صادق(ع) در تفسیر و تأیید قرائت مشهور بوده و تقابلی با آن ندارد، به این صورت که تفرقه در دین، عاملی برای ترک دین خواهد بود.

۲- «فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ قَدْ رَوَى عَنْ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَرَأَ: «وَ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ بِالنَّبِيِّ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا» وَ قِرَاءَةُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ «خَالَفُوا» (حویزی، بی‌تا: ۲۷۸/۲).

در عبارت مذکور حویزی به نقل از طبرسی به دو قرائت منقول از ائمه(ع) طی یک روایت اشاره کرده است. در مورد اول امام رضا(ع) «خَلَفُوا» قرائت کرده و در مورد دوم امام سجاد(ع) و صادقین(ع)، «خَلَفُوا» به صورت «خَالَفُوا» قرائت نموده‌اند. در ارتباط با قرائت «خَالَفُوا» باید گفت واژه‌ی «خَلَفُوا» با تشدید لام، طبق قرائت مشهور است (ابن جزری، ۲/ ۲۷۹). این واژه از «خَالَفَ» و به معنای عقب افتادن است و طبق آیه‌ی مورد بحث مراد عقب افتادن در جنگ تبوک است، لذا، گناهی نیست که نیاز به توبه کردن داشته باشد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۵/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۸/۹؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۷۳/۷). واژه «خَالَفُوا» از «خَلَفَ» به معنای مخالفت کردن می‌باشد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۵/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۶/۹؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۷۴/۷). با توجه به آنچه ذکر شد، معنای عقب افتادن و مخالفت کردن برای هریک از وجوه قرائی قابل ذکر است. در واقع محور بحث، عقب افتادن جنگ تبوک بوده است. توضیح آنکه علت به تعویق افتادن جنگ می‌تواند مخالفت با جنگ و عدم شرکت و همراهی آن باشد. از این رو، با این توصیف، معنای مخالفت کردن که از قرائت غیر مشهور و منقول از ائمه(ع) برداشت می‌شود، عاملی جهت تبیین و تفسیر قرائت مشهور خواهد بود.

۳- فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ قَرَأَ حمزة وَ رويس عن يعقوب «يَنْتَجُونَ» وَ هُوَ قِرَاءَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی‌تا: ۲۶۱/۵).

طبق این گزارش، پیامبر (ص) و امام باقر (ع) واژه‌ی «يَنْتَجُونَ» که در قرائت مشهور آمده (نک. دمیاطی، ۱۴۰۷ق: ۴۱۲)، به صورت «يَنْتَجُونَ» قرائت نموده‌اند. همان‌طور که می‌دانیم واژه‌ی «يَنْتَجُونَ» از باب تفاعل و مفاعله به معنای نجوایی دوطرفه است (ابن زنجله، ۱۴۰۲ق: ۷۰۴). در ارتباط با «يَنْتَجُونَ»، اهل بیت(ع) آن با نون و ضم جیم و بدون الف و به «يَنْتَجُونَ» خوانده‌اند. در واقع در این واژه، ضمه از یاء به جیم تغییر پیدا کرده و به علت

خوانده شده است. بنابر قرائت مشهور «أَكَادُ أَخْفِيهَا» فایده‌ی پنهان بودن قیامت تخویف و تهویل است. لذا، شایسته است که ظهور آن برای مردم پنهان بماند و هر لحظه امکان آشکار شدن و به وقوع پیوستن آن وجود داشته باشد. برمبنای قرائت غیرمشهور، واژه به معنای بیرون آوردن از خفاء است. زیرا زمان آمدن قیامت پنهان است (نک. ثقفی تهرانی، ۱۳۷۸: ۳/ ۵۰۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۳/ ۲). همچنین تخویف را نیز در بر دارد و بیانگر وقوع حتمی آن است. بر این اساس هر دو قرائت هم راستا بوده و قرائت غیرمشهور، نقش تکمیلی و تفسیری برای قرائت مشهور را دارد. علاوه بر موارد فوق، نمونه‌های دیگری از این نوع کارکرد روایات قرائی اهل بیت(ع) در *نورالتقلید* دیده می‌شود که در جدول ذیل بیان شده است.

توصیف، قرائت امام(ع) در واقع تعیین مصداق بوده که به مفهوم سازی آیه و تفسیر آن منجر می‌شود.

۶- فِي تَجْمَعُ الْبَيَانَ وَ رَوَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ «أَكَادُ أَخْفِيهَا مِنْ نَفْسِي» وَ هِيَ كَذَلِكَ فِي قِرَاءَةِ أَبِي وَ رَوَى ذَلِكَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي جَوَامِعِ الْجَامِعِ وَ فِي مُصَحَّفِ أَبِي «أَكَادُ أَخْفِيهَا مِنْ نَفْسِي» وَ رَوَى ذَلِكَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (حویزی، بی‌تا، ۳/ ۳۷۵).

روایت فوق که ذیل آیه‌ی «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا» (طه/ ۱۵) آمده، از دیگر مواردی است که کارکرد قرائت غیرمشهور در آن، مفهوم‌سازی و تفسیر بهتر و دقیق‌تر آیه است. همان طور که مشاهده می‌شود در قرائت مشهور واژه‌ی «أَخْفِيهَا» به ضم همزه آمده، درحالی که در قرائت امام صادق(ع)، «أَخْفِيهَا» به نصب همزه

جدول ۳

سوره	روایت
واقعه/ ۸۸	«فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ» فِي تَجْمَعُ الْبَيَانَ قَرَأَ يَعْقُوبُ «فَرَوْحٌ» بِضَمِّ الرَّاءِ وَ هُوَ قِرَاءَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
الرحمن/ ۴۴ و ۴۳	«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبَانِ* تَصَلِّيَانِهَا وَ لَا تَمُوتَانِ فِيهَا وَ لَا تَحْيَيَانِ».
شعراء/ ۲۱۴	«فِي قِرَاءَةِ عَبْدِ اللَّهِ كَعَبٍ وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ زَهَّطْكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ» وَ رَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
شعراء/ ۲۲۷	«وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». فِي جَوَامِعِ الْجَامِعِ وَ قَرَأَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ خَفَّهُمْ.
ص/ ۳۹	«هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَعْطِ بِغَيْرِ حِسَابٍ» وَ هَكَذَا هِيَ فِي قِرَاءَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
ابراهيم/ ۴۱	«فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَوْلُهُ: رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِدَيَّ - فِي تَجْمَعُ الْبَيَانَ وَ قَرَأَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ لَوْلَيْدِي» فِي تَفْسِيرِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَحَدِهِمَا أَنَّهُ قَرَأَ «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِدَيَّ» يَعْنِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ.
رعد/ ۱۱	«فِي كِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرٍ أَشُوبَ حُمُرَانَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ قَرَأْتُ: «لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ» قَالَ: وَ أَنْتُمْ عَرَبٌ يَكُونُ الْمُعَقِّبَاتُ بَيْنَ يَدَيْهِ؟ فُلْتُ: كَيْفَ تَقْرَأُهَا؟ قَالَ: «لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ خَلْفِهِ وَ رَقِيبٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ».
اعراف/ ۴۷	«فِي تَجْمَعُ الْبَيَانَ وَ رَوَى أَنَّ فِي قِرَاءَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَ سَالِمٍ «وَ إِذَا قُلِيبَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلَقَّاءُ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا- عَائِدًا بِكَ أَنْ- لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» وَ رَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (حویزی، بی‌تا، ۲/ ۳۶).
هود/ ۸۱	«إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا» قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ هَكَذَا قَرَأَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (حویزی، بی‌تا، ۲/ ۳۸۸).

۵-۲- کارکرد دوم: گسترش و توسعه در معنای آیه

دومین کارکرد روایات قرائی اهل بیت (ع) در تفسیر نورالتقلین، گسترش و توسعه در معنای آیه است، به گونه‌ای که معنا را توسعه می‌دهد تا آیه بیش از یک معنا پیدا کند. باید توجه داشت، توسعه در معنای آیه، به دو بعد معناشناسی و آسیب‌شناسی اشاره دارد که در نظر گرفتن بعد اول و نفی دیگری با توجه به سیری روشمند و با تکیه بر قرینه‌های لفظی، نقلی و عقلی انجام می‌پذیرد. لذا هرگونه وجهی را به‌عنوان توسعه در معنای آیه یا آیات نمی‌توان پذیرفت، بلکه یک معنای توسعه‌ای، باید به گونه‌ای باشد تا دچار انحراف تفسیری و ... نشویم (نک. پوررستمی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۴۵). نمونه‌هایی از این کارکرد در روایات ذیل قابل مشاهده است.

۱- «وَ إِنْ نَكُنُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِيَّاهُمْ لَا إِيمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (التوبه/۱۲). - فِي تَجْمَعُ الْبَيَانَ قَرَأَ ابْنُ عَامِرٍ لَا إِيمَانَ بِكَسْرِ الهمزة وَ رَوَاهُ ابْنُ عُقَّةٍ بِاسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» (حویزی، بی‌تا: ۱۸۸/۲).

طبق آن‌چه در این روایت آمده، حویزی از طریق ابن‌عقده از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان واژه‌ی «ایمانهم» در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی توبه که در قرائت مشهور به فتح همزه «ایمانهم» است (نک. مکی بن‌ابی طالب، بی‌تا، ۲۱۴) را، به کسر آن قرائت نموده است.

این واژه در قرائت مشهور جمع «یمین» و به معنای سوگند و در قرائت غیرمشهور به دو معنای امان (ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۳۱۵) و اسلام (نک. زجاج، ۱۴۰۸: ۴۳۵/۲) آمده است. در صورت قرائت به کسر، می‌توان گفت در واقع جمله‌ی دوم تکرار شده است؛ این تکرار، تکراری موجه است که درصدد بیان علتی است که سبب وجوب قتل می‌شود و آن علت، عدم اسلام است (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۶۶/۳؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۱۲/۳). بر این اساس، قرائت به وجه غیرمشهور «ایمان»، عاملی برای توسعه در معنای آیه شده است، به گونه‌ای که آن‌چه سبب جواز جنگ می‌شود یکی شکستن سوگند (طبق قرائت مشهور) و دیگری عدم اسلام (طبق قرائت غیرمشهور) می‌باشد. با این توصیف، قرائت غیر مشهور، شاخصه و جواز قتل را علاوه بر شکستن سوگند، عدم اسلام معرفی می‌کند و دایره‌ی معنایی واژه را گسترش می‌دهد.

۲- «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» (الاسراء/۱۶) فِي تَجْمَعُ الْبَيَانَ وَ قَرَأَ يَعْقُوبُ «أَمَرْنَا» بِالْمَدِّ عَلَى وَزْنِ عَامَرْنَا وَ هُوَ قِرَاءَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ قَرَأَ «أَمَرْنَا» بِتَشْدِيدِ الْمِيمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِخِلَافٍ» (حویزی، بی‌تا: ۱۴۵/۳).

در این روایت حویزی دو قرائت متفاوت از اهل بیت (ع) نقل کرده که ضمن اینکه با قرائت مشهور فرق دارند، خود آن دو قرائت هم با هم متفاوت هستند. به این صورت که در قرائت مشهور واژه‌ی «أَمَرْنَا» آمده (قلانسی، ۱۴۰۴: ۱۲۶)، درحالی که از امام علی (ع) «أَمَرْنَا» به تخفیف میم و از امام باقر (ع) «أَمَرْنَا» به تشدید میم نقل شده است. توضیح آن‌که واژه‌ی امر دلالت بر امر تشریعی به فسق نیست، بلکه منظور آن چنین است که ما مترفان را به طاعت امر کردیم، درحالی که آنان از این امر سرباز زدند و یا می‌توان گفت: معنای آیه این است که بعد از امر کردن به مترفین، آنان از این اطاعت و امر امتناع ورزیدند. بر این اساس اگر واژه‌ی «أَمَرْنَا» به تخفیف میم قرائت شود، به این معناست که ما اموال و اولاد مترفان را زیاد کردیم و این موجب فسق آنان شد. در این‌جا معنای واژه‌ی «أَمَرْنَا» طلب کردن و یا به عبارتی به معنای «اکثار» یعنی زیاد کردن می‌باشد (طباطبایی، بی‌تا: ۱۳/۶۲).

۵-۳- کارکرد سوم: ابهام‌زدایی

از دیگر وجوه کاربردی اختلاف قراءات در روایات تفسیری اهل بیت (ع) در نورالتقلین، ابهام‌زدایی می‌باشد. به این معنا که قرائت غیرمشهور نه تنها منجر به تضاد، تناقض و ایجاد ابهام نمی‌شود، بلکه موجب تبیین و برطرف شدن اجمال و ابهامات موجود در آیه می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت برخی قراءات تبیین‌کننده‌ی برخی دیگر و حتی تصدیق‌کننده‌ی یکدیگر هستند. اهمیت این مسئله در مثال‌های زیر قابل مشاهده است.

۱- «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ» (التوبه/۱۱۲). فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: لَا وَ لَكِنْ أَقْرَأَهَا التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ - وَ فِي قِرَاءَةِ أَبِي وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَ الْأَعْمَشِ «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» بِأَلْيَاءٍ إِلَى آخِرِهَا وَ رَوَى ذَلِكَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» (حویزی، بی‌تا، ۲۷۳/۲). طبق قرائت مذکور، حویزی از صادقین (ع) چنین نقل می‌کند که ایشان عبارت «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ» در آیه‌ی «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَمْدُونَ السَّخُونَ الرَّائِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۱۲) که براساس قرائت مشهور با «ون» آمده (نک. مکی بن‌ابی طالب، بی‌تا: ۳۱۸)، به صورت «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» قرائت نموده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این آیه اوصاف مؤمنان بیان شده است که در عبارت مدنظر دو مورد از این اوصاف یعنی توبه کار بودن و عبادت کردن مشاهده می‌شود.

۳- «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره/۲۳۸): «فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَرَأَ: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ فَقَوْلُهُ: «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» قَالَ: إِقْبَالُ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مُحَافَظَتِهِ حَتَّى لَا يُلْهِمَهُ وَ لَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا شَيْءٌ»، «فِي تَفْسِيرِ الْعِيَاشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ الْوُسْطَىٰ فَقَالَ: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ وَ الْوُسْطَىٰ هِيَ الظُّهْرُ وَ كَذَلِكَ كَانَ يَقْرَأُهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (حویزی، بی تا: ۱/ ۲۳۷).

حویزی با نقل دو روایت فوق، که اولی در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۱۳۶۳: ۷۹/۱) و دومی در تفسیر عیاشی (بی تا: ۱۲۷/۱) آمده، به ذکر نحوه قرائت امام صادق(ع) از آیه ۲۳۸ بقره پرداخته است. طبق این روایات امام(ع)، پس از واژه‌ی «الصَّلَاةُ الْوُسْطَىٰ»، «صَلَاةَ الْعَصْرِ» را ذکر کرده است. با این تفاوت که در روایت منقول در تفسیر عیاشی قبل از «صَلَاةَ الْعَصْرِ»، «واو» آمده، اما در روایت علی بن ابراهیم این چنین نیست.

در واقع افزودن عبارت «صَلَاةَ الْعَصْرِ» به آیه و قرائت آن، منجر به رفع ابهام و اجمال «الصَّلَاةُ الْوُسْطَىٰ» می‌شود. مفسران در ارتباط با اینکه منظور از «الصَّلَاةُ الْوُسْطَىٰ» چیست اتفاق نظر نداشته و نظرات گوناگونی ارائه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی نماز ظهر، برخی نماز عصر، برخی نماز عشاء، برخی دیگر نماز صبح و عده‌ای نماز مغرب را بیان کرده‌اند (برای مشاهده اقوال و توضیح بیشتر نک. طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۵۵). در این میان آن چه در روایت امام صادق(ع) آمده، نشان‌دهنده‌ی این است که ایشان منظور از «الصَّلَاةُ الْوُسْطَىٰ» را نماز عصر می‌داند.

۴-۵ کارکرد چهارم: بیان مترادفات

کارکرد دیگر روایات قرائی منقول از اهل بیت(ع) در نورالتقلین، بیان مترادف کلمات و عبارات قرآنی است. توضیح آنکه؛ دسته‌ای از کلمات و یا غالب واژگان، یک معنا دارند؛ در این میان، گاه مشاهده می‌شود که چند کلمه، دارای یک معنا و یا یک مضمون است، اگرچه ویژگی مذکور در تمامی زبان‌ها یافت می‌شود، اما در زبان عربی بیشترین فراوانی را دارد؛ این موضوع منجر به ایجاد نظایر و در واقع مترادفات شده است. این مورد در واقع همان است که ابن جزری در بیان حالات گوناگون اختلاف قراءات - اولین حالت - به آن تصریح کرده و از آن با عنوان «تفاوت لفظ، بدون تفاوت در معنا» نام می‌برد (ابن جزری، بی تا: ۲۸/۱). مثال‌های ذیل بیانگر این کارکرد معنایی هستند.

اگرچه با «ون» خواندن اوصاف مذکور در آیه، مطابق با قرائت مشهور است، در عین حال بررسی فضای کلام نشان می‌دهد که مجرور خواندن آن، متناسب با سیاق بوده تا به این ترتیب احتمال مستأنفه دانستن آیه از سمت مخاطب را رد کرده و به رفع ابهام از معنای آیه بپردازد. آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْأَنْجِيلِ وَ الْفُرْقَانِ وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۱۱۱) که قبل از آیه‌ی مورد بحث آمده، نیز مجرور بودن (فراء، ۱۹۸۰: ۶۷/۲) و در نتیجه قرائت غیر مشهور را تأیید می‌کند.

۲- «عَامٌ فِيهِ يَغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعَصِرُونَ» (یوسف/۴۹) فِي تَجْمَعُ النَّبِيَّانِ وَ قَرَأَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «قَرِئْتُمْ هُنَّ» وَ قَرَأَ أَيْضًا «يَعَصِرُونَ» بَيَاءً مَضْمُومَةً وَ صَادَ مَفْتُوحَةً» (حویزی، بی تا: ۲/ ۴۲۹). براساس آن چه در قرائت مشهور آمده، واژه‌ی «يَعَصِرُونَ» با یاء است (دانی، ۱۹۳۰: ۱۲۹)، اما در قرائت امام صادق(ع) این واژه به صورت «يَعَصِرُونَ» با یاء مضموم و فتح صاد آمده است. حویزی این روایت را به نقل از صاحب مجمع البیان آورده، درحالی که طبرسی در روایت «عن أبي عبد الله (ع) قال قرأ رجل على أمير المؤمنين علي(ع) هذه الآية فقال يعصرون بالياء و كسر الصاد فقال ويحك و أي شيء يعصرون أ يعصرون الحمر فقال الرجل يا أمير المؤمنين فكيف أقرأها قال عام فيه يغاث الناس و فيه يعصرون مضمومة الياء مفتوحة الصاد أي يمطرون بعد سني الجمع» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۲/۵) ذیل همین آیه به نقل از علی بن ابراهیم قمی، قرائت امام علی(ع) از این واژه را «يَعَصِرُونَ» دانسته، اما وی آن را ذکر نکرده است.

همان‌طور که می‌دانیم «يَعَصِرُونَ» به معنای «گرفتن آب میوه» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹۵/۱؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۱/۲). همچنین «يَعَصِرُونَ»، فعل مضارع مجهول به معنای «دیدن باران» است (ابن درید، ۱۹۸۸: ۷۳۹/۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۷۵۰/۲). در این صورت فعل «یغاث» را اگر از ماده‌ی «غوث» بدانیم، با وجه قرائی سازگار است و به معنای «یاری کردن مردم و دیدن باران» خواهد بود.

اما این که اهل بیت(ع) فعل مجهول قرائت کرده‌اند، به منظور ابهام‌زدایی از معنای آیه می‌باشد. عبارت «فقال ويحك و أي شيء يعصرون أ يعصرون الخمر» در روایت دوم مؤید این دیدگاه است، به عبارتی دیگر اهل بیت(ع)، در صدد بیان معنای لغوی «يَعَصِرُونَ» بوده‌اند تا از مخاطب رفع ابهام شود که معنای «يَعَصِرُونَ» تهیه‌ی خمر و شراب نیست. بر این اساس، و واژه‌ی «يَعَصِرُونَ» که به معنای «يمطرون» است، معنای «يَعَصِرُونَ» به معنای آب میوه» را تبیین کرده است.

مشهور این واژه آمده، هم معنا و مترادف بوده و اشتراک و محوری معنایی هر دو حرکت کردن و رفتن می باشد.

۲. «حَصَبُ جَهَنَّمَ» یَقُولُ: يُقَدِّفُونَ فِيهَا قَدْفًا وَ قَوْلُهُ: «أُولَئِكَ عَنْهَا مُنْعَدُونَ» یَعْنِي الْمَلَائِكَةَ وَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. - فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ قِرَاءَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «حَطَبٌ» بِالطَّاءِ (حویزی، بی تا: ۴۵۹ / ۳).

نمونه‌ی دیگر از این کارکرد روایات قرائی اهل بیت (ع)، در روایت دیگر منقول از حویزی از مجمع‌البیان ذیل عبارت «حَصَبُ جَهَنَّمَ» آیه‌ی ۹۸ سوره‌ی انبیاء دیده می شود. به این صورت که قرائت مشهور «حَصَبُ» (دانی، ۱۹۳۰: ۳۶۵) و قرائت غیر مشهور که منقول از امام علی (ع) می باشد، «حَطَبُ» است.

مراجعه به منابع دانش لغت، بیانگر این است که برخی از لغت‌شناسان معنای «حَصَبُ» را همان «حَطَبُ» یعنی «هیزم» دانسته‌اند و در توضیح معنای آن می نویسند: «حَصَبُ جَهَنَّمَ حَطَبُهَا؛ الْحَطَبُ: یعنی حَصَبُ جَهَنَّمَ» (نک. ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۲۳۰؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۳؛ مصطفوی، ۱۴۲۶: ۳ / ۲۸۳).

علاوه بر موارد فوق، نمونه‌های ذیل نیز نشان‌دهنده‌ی این کارکرد معنایی قراءات اهل بیت (ع) در نورالثقلین هستند.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ - فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ قَرَأَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ «فَامْضُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» وَ رُويَ ذَلِكَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی تا، ۵ / ۳۲۵).

در این روایت که حویزی به نقل از صاحب مجمع‌البیان، آورده، امام علی (ع) و امام صادق (ع) قرائت مشهور فعل «فأسعوا» (نک. ابن‌مجاهد، ۱۹۸۸م: ۱۴۱). در آیه‌ی ۹ سوره‌ی جمعه را «فامضوا» خوانده‌اند. بررسی دیدگاه لغویان در کتب لغت نشان می دهد که ایشان واژه‌ی مذکور در قرائت مشهور را مترادف با آنچه در قرائت غیر مشهور آمده، می دانند. به عنوان مثال ازهری (۱۴۲۱، ۲ / ۱۵۴) در کتاب تهذیب اللغة و ابن‌سیده در کتاب‌المحکم و المحيط / الاظم (۱۴۲۱: ۲ / ۲۲۱) در بیان معنای «فأسعوا» چنین می نویسند: «فأسعوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» آی، أمضوا. ابن‌منظور نیز با ذکر این مطلب که «سعی» به معنای شتافتن، تندرستن، حرکت کردن و رهسپار شدن و «فامضوا» به معنای رفتن، ترک کردن، سپری شدن، گریختن و گذشتن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۹۸)، هر دو واژه را مترادف دانسته است. طریحی نیز معانی مشابه ابن‌منظور بیان کرده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۱۸).

با توجه به آنچه ذکر شد، واژه‌ی مذکور در روایت اهل بیت (ع) که تحت عنوان قرائت غیر مشهور است، با آنچه به عنوان قرائت

جدول ۴

سوره	روایت	آراء صاحبان دانش لغت
لقمان/ ۲۷	«وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمْدُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَنْجُرٍ مَا نَقَدْتُ كَلِمَاتُ اللَّهِ فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ وَ قَرَأَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَلِ الْبَحْرِ يَمْدُهُ» (حویزی، بی تا: ۴ / ۲۱۶).	«وَلِ الْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَنْجُرٍ قَالَ: يَكُونُ مِدَادًا كَالْمِدَادِ» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۴۸).
احقاف/ ۴	«مَنْ قَبْلَ هَذَا أَوْ أَثَارَةٌ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ قَرَأَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَوْ أَثَرَةٌ» بِسُكُونِ التَّاءِ مِنْ غَيْرِ أَلِفٍ» (حویزی، بی تا: ۵ / ۸).	«أَوْ أَثَارَةٌ مِنْ عِلْمٍ [الأحقاف/ ۴]، وَ قَرَأَ: (أَثَرَةٌ) وَ هُوَ مَا يَرُوى أَوْ يَكْتَبُ فَيَبْقَى لَهُ أَثَرٌ» (راغب اصفهانی، ۴ / ۶۲؛ ابن‌منظور، ۴ / ۷).
واقعه/ ۲۹	«وَلِ طَلْحٍ مَنْصُودٍ» قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلِ طَلْحٍ مَنْصُودٍ» قَالَ: بَعْضُهُ إِلَى بَعْضٍ. (حویزی، بی تا: ۵ / ۲۱۵).	«وَلِ الطَّلْحِ: لُغَةٌ فِي الطَّلَعِ. وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَلِ طَلْحٍ مَنْصُودٍ) فُسِّرَ بِأَنَّهُ الطَّلَعُ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۵۵۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۴۱).
زلزال/ ۷ و ۸	«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» فِي تَجْمَعِ الْبَيَانِ فِي بَعْضِ الرِّوَايَاتِ عَنِ الْكِسَائِيِّ «خَيْرًا يَرَهُ وَ شَرًّا يَرَهُ» بِضَمِّ الْيَاءِ فِيهَا وَ هُوَ رِوَايَةُ أَبَانَ عَنْ عَاصِمٍ أَيْضًا وَ هِيَ قِرَاءَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حویزی، بی تا: ۵ / ۶۵۰).	«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ يَرُهُ بِضَمِّ الْيَاءِ فِيهِمَا، وَ هُوَ رِوَايَةُ أَبَانَ عَنْ عَاصِمٍ، وَ قِرَاءَةُ عَلِيٍّ (ع) وَ الْبَاقُونَ بَفَتْحِ الْيَاءِ فِي الْمَوْضِعَيْنِ وَ الْمَعْنَى: مَنْ يَعْمَلُ وَزْنَ ذَرَّةٍ مِنَ الْخَيْرِ يَرِ ثَوَابَهُ وَ جَزَاءَهُ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۶۵).

به گونه‌ای که نه تنها نشان‌دهنده‌ی تحریف لفظی قرآن نیستند، بلکه با وجود سند معتبر و سازگار با رسم الخط مصحف، می‌توان برای این دسته از روایات قرائی، جایگاهی مقبول قائل شد. البته باید افزود در برخی موارد اهل بیت (ع) علاوه بر قرائت مشهور، قرائت دیگری از آیات را ذکر کرده‌اند و در هیچ‌یک از روایات ذکر شده به رد و ابطال قرائت مشهور نپرداخته‌اند.

۳. کارکرد روایات قرائی اهل بیت (ع) در تفسیر نورالثقلین در چهار بخش ۱- مفهوم‌سازی و تفسیر آیه؛ ۲- گسترش و توسعه در معنای آیه؛ ۳- ابهام زدایی؛ ۴- بیان مترادفات قابل ارزیابی است که بیشترین کارکرد به‌ترتیب در زمینه‌ی مفهوم‌سازی و تفسیر آیه و سپس بیان مترادفات است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی روایات قرائی منقول از اهل بیت (ع) در نورالثقلین منجر به نتایج ذیل شد:

۱. در ارزیابی جایگاه روایات قرائی اهل بیت (ع) در تفسیر نورالثقلین با درنظر گرفتن شاخصه‌هایی نظیر فراوانی قراءات، خاستگاه قراءات، مصادر قرائی و معیارهای قرائی مشخص شد که وی در مجموع ۴۵ روایت قرائی نقل کرده و در برخورد با روایات قرائی خاستگاهی روشی داشته است که این مهم را می‌توان دلیلی برای عدم ترجیح و یا عدم اختیار وجوه قرائی دانست. وی همچنین از مصادری همچون تفسیر قمی، عیاشی، مجمع البیان و... بهره جسته که نشان از اهمیت دیدگاه‌های قرائی این افراد نزد مفسر است.
۲. واکاوی این نوع روایات نشانگر این است که این دسته از روایات، کارکردهای متنوعی در مقام فهم و تفسیر قرآن دارند.

References

- Holy Quran.
- Abolfatuh Razi, Hossein Bin-Ali. (Beta). Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Qur'an, bi-ja: Astan Quds Razavi. (In Arabic)
- Asadi et al. (1969). Pathology of interpretive currents, Qom: Hozeh and University Research Institute. (In Arabic)
- Ashuri, Hossein. (2017). "The effect of different readings on interpretation", Quranic researches, numbers 24 and 23. (In Persian)
- Ayashi, Muhammad bin Masoud. (Beta). Al-Tafseer, Iran: School of Ulamiyyah al-Islamiyya. (In Arabic)
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali. (1993). Commentators; Hayatham and Manhaghham, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Arabic)
- Azhari, Mohammad bin Ahmad. (2000). Tahdhib al-Lagheh, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. (In Arabic)
- Damiati, Shahabuddin. (1986). The contributions of the nobles of al-Bashr in al-Qar'at al-Araaba Ashar, research by Dr. Shaban Mohammad Ismail, Beirut: Alem al-Katb. (In Arabic)
- Dani, Abu Amr Othman bin Said. (1943). Al-Taysir Fi Qiraat al-Saba, edited by Autopretsel, Tehran: Jafari Tabrizi bookstore. (In Arabic)
- Fara, Yahya Ben-Ziyad. (1980), Ma'ani al-Qur'an, Cairo: Al-Hiyeh Al-Masriyyah Al-Ameah Lalkitab. (In Arabic)
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1988). Kitab al-Ain, Qom: Hijrat. (In Arabic)
- Fazli, Abdul Hadi. (Beta). Qur'anic Readings, History and Definition, Al-Ghadir Center, Lal-Derasat and Al-Nashar and Al-Tawzi'ah. (In Arabic)
- Gonabadi, Sultan Mohammad. (1987). Bayan al-Saada fi maqamat al-Ibadah, Beirut: Al-Alami Press Institute. (In Arabic)
- Haji Esmaili, Mohammadreza. (1986). A research on the Qur'an and recitation techniques, bija: Qarz al-Hasna Abu Torab. (In Persian)
- Hawizi, Abd Ali bin Juma. (Beta). Tafsir Noor al-Saqlain, Qom: Ismailian. (In Arabic)
- Ibn Attiyah, Abdul Haq. (1992). Al-Muharrar al-Jizfi Tafsir al-Kitab al-Aziz, researched by Abdussalam Abdus Shafi Muhammad, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. (In Arabic)
- Ibn Darid, Muhammad Ibn Hasan. (1988). Jamhara Al-Lagheh, Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. (In Arabic)
- Ibn Jazri, Muhammad bin Muhammad. (Beta). Al-Nashar fi al-Qarayat al-Ashhar, research: Ali Muhammad al-Dabaa, Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya. (In Arabic)
- Ibn Khalwieh, Hossein bin Ahmad. (2000). Al-Hijjah fi al-Qarayat al-Saba, Beirut: Al-Rasalah Institute. (In Arabic)
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993). Arab Language, Beirut: Dar al-Sadr. (In Arabic)
- Ibn Mujahid, Abu Bakr Ahmad bin Musa. (1988). Al-Sabah fi al-Qaraat, Egypt: Dar al-Maarif. (In Arabic)

- Ibn Saydeh, Ali Ibn Ismail. (2000). Al-Mahkam and Al-Muhait al-Azam, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. (In Arabic)
- Ibn Zanjala, Abd al-Rahman bin Muhammad. (1981). Hajja al-Qara'at, first edition, Beirut: Al-Rasalah Institute. (In Arabic)
- Johari, Ismail bin-Hamad. (1956). Al-Sahah, Beirut: Dar al-Alam Lalmalayin.
- Kilini, Mohammad Bin Yaqub Kilini. (1986). Al-Kafi, Tehran: Al-Islamiya. (In Arabic)
- Makki bin Abi Talib, Muhammad. (1983). Al-Kashf on the aspects of the seven readings and the causes and arguments, Dr. Muhyiddin Ramadan's research, third edition, Beirut, Al-Rasalah Institute. (In Arabic)
- Mortazavi, Seyed Ebrahim and Seyed Mahmoud Tayeb Hosseini. (2018). (In Persian)
- Mostafavi, Hassan. (2005). Researching the words of the Holy Qur'an, Cairo: Dar al-Kitab al-Alamiya. (In Arabic)
- Pour Rostami, Hamed. (2011). "The Developmental Aspects and Meaning of Quranic Verses in Allameh Tabatabai's Thought", Quran Knowledge. (In Persian)
- Qalansi, Ibn Hajar. (1972). Lataif al-Isharat al-Funun al-Qaraat, Cairo: Al-Ahram Press. (In Arabic)
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim. (1947). Tafsir Qomi, Qom: Daral Kitab. (In Arabic)
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). Al-Qur'an vocabulary words, Beirut: Dar al-Qalam. (In Arabic)
- Rajabi, Mahmoud. (2004). The Qur'an Interpretation Method, Qom: Hozah and University Research Institute. (In Persian)
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali. (2003). Textbooks and interpretation trends of Quran, Qom: World Center of Islamic Sciences. (In Persian)
- Tabari, Muhammad Ben Jarir. (1991). Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa. (In Arabic)
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1952). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosro Publications. (In Arabic)
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (Beta). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Jama'ah al-Madrasin's pamphlets. (In Arabic)
- Tarihi, Fakhreddin bin Muhammad. (1955). Bahrain Assembly, Tehran: Mortazavi. (In Arabic)
- Thaalabi, Abd al-Rahman bin Muhammad. (1997). Jawaharlal Hassan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. (In Arabic)
- Thaghafi Tehrani, Mohammad. (1999). Tafsir Rawan Javed, Tehran: Islam Publications. (In Persian)
- Zagrouq, Mahmoud Hamdi. (2000). Al-Masua al-Qur'aniyah al-Makhsaha, Cairo: Ministry of Awqaf. (In Arabic)
- Zaj, Abu Ishaq Ibrahim bin-Seri. (1987), The Meanings of the Qur'an and the Arabs, Dr. Abdul Jalil Abd al-Shalabi's research, Beirut: Alam al-Katb. (In Arabic)
- "Zamakhshari's view on recitations", Qur'an Studies Quarterly, Q7, No. 12, P. 31. (In Arabic)